

ارزیابی تحقق عدالت اقتصادی در الگوهای بانکداری اسلامی با تأکید بر الگوی تفکیک و بانکداری تجاری

داکتر سید محمدتقی هاشمی*

چکیده

عدالت اقتصادی یکی از دغدغه‌های تمامی مکاتب اقتصادی در جهان است که با توجه به مبانی متفاوت، مفهوم «عدالت اقتصادی» نیز متفاوت می‌گردد. از نظر اسلام حقوق افراد و نهادهای اجتماعی در مقابل یکدیگر بر اساس اصول حکمت و عقلانیت مشخص می‌گردد، در مقام عمل رعایت این حقوق بدون تبعیض، عدالت اقتصادی است. بنابراین مفاد «اعطاء کل ذی حق حقه» آن است که اولاً: کسانی که ذی حق نیستند نباید چیزی به آنها داده شود. ثانیاً: تمامی کسانی که ذی حق هستند بدون تبعیض باید حق خود را دریافت کنند. بانک‌ها یکی از نهادهای اقتصادی است که نقش عمده را در عدالت اقتصادی دارند و در عین حال از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است که توسط دولت اسلامی به نمایندگی از مردم به بانک اعطا شده است؛ برخوردار از این ویژگی‌ها نظام بانکی را نسبت به جامعه از نظر اقتصادی مسئولیت‌پذیر می‌سازد.

بانک‌های تجاری، به دلایلی مانند سود طلبی، عدم قدرت نظارت بر طرح‌ها، عدم تخصص در زمینه‌های مختلف اقتصادی، صوری شدن قراردادهای مشارکتی، روابط میان بانک و مشتریان کمتر عادلانه است. بنابراین با توجه به شاخص‌های تعریف شده در دو الگوی بانکداری تجاری و الگوی تفکیک می‌رسیم که الگوی تفکیک به لحاظ برخوردار از ویژگی‌هایی، توان نظارت بر پروژه‌ها را داشته و با اطمینان از توجیه اقتصادی طرح، امکان پرداخت سود واقعی خیلی زیاد است و هم چنین با پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه از طریق تخصیص مانده حساب‌های جاری به نیازمندان و مناطق محروم، امکان تحقق عدالت اقتصادی در آن بیشتر است.

واژگان کلیدی: عدالت اقتصادی، بانکداری اسلامی، شاخص عدالت اقتصادی، الگوی

تفکیک، الگوی بانکداری تجاری.

* دکتری اقتصاد، استاد پوهنتون خاتم النبیین (ص)

یکی از مبانی مسلم اقتصاد اسلامی عدالت اقتصادی است که روابط افراد، نهاد ها و نیز ساختارهای اجتماعی در حوزه اقتصاد بر اساس عدالت اقتصادی تعریف می شود.

امروزه بانک یکی از نهادهای مهم اقتصادی است که در هر نظامی بسته به مبانی آن نظام دارای ساختارهای متفاوت از هم می باشد که الگوی خاصی را به وجود می آورد. در این میان، در جوامع اسلامی الگویی موفق تر است که فعالیت های خود را با میزان بالاتری از شاخص های عدالت اقتصادی مطابقت دهد. از سوی دیگر الگوهای که در بانکداری اسلامی مطرح می شوند، همگی از میزان مطابقت یکسانی برخوردار نیستند. بنابراین در این نگارش تلاش بر این است که با توجه به شاخص های عدالت اقتصادی در بانکداری اسلامی، میزان مطابقت دو الگوی بانکداری «تجاری» و الگوی «تفکیک» مورد ارزیابی قرار گیرد.

محور اول: مفاهیم و کلیات

مفهوم لغوی عدالت

لغت شناسان واژه عدل را مقابل جور و ظلم و به: راستی، درستی، دادگری، نظیر، شاهد، لنگه، کیل، پیمانه، پاداش، میانه روی، مساوات، برابری (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۵: ا، ۱۱، ص ۸۳)، انصاف، قول یا حکمی که مورد رضایت و خشنودی مردم واقع شود (فراهیدی، کتاب العین)؛ معنا کرده اند. می توان گفت اصل در معنای عدل «حد وسط و دوری از افراط و تفریط» به گونه ای که زیاده و نقیصه ای در کار نباشد است.

قاموس قرآن این معنا را به برابری و علامه مصطفوی در کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ضمن ضمن این که بازگشت این معانی به معنای واحد را تأیید می نماید، با این حال معنای محوری و اصلی عدل را رعایت حد وسط میان افراط و تفریط معرفی نموده است (حسن مصطفوی: ۵۳، ۸).

مفهوم اصطلاحی عدالت

یکی از راههای شناخت دقیق مفهوم عدالت در اصطلاح قرآن کریم، توجه و شناخت مفهوم و کاربردهای واژه های مخالف آن یعنی ظلم است راغب اصفهانی و علامه مصطفوی معنای ظلم در اصطلاح قرآن را همان عدم رعایت حدود الهی و تجاوز از حق می دانند. (راغب اصفهانی، پیشین: ۵۳۸) ملاحظه مجموعه آیات عدل و قسط و مفاهیم پیرامونی آنها نشان می دهد، مفهوم اساسی و کانونی عدالت در زمینه اعمال و روابط انسانی، که برابری و نابرابری باید با رعایت آن معنا پیدا کند، مفهوم حق است.

یکی از روایاتی که این معنا را تأیید می کند روایتی است که مرحوم کلینی از امام کاظم (ع) نقل

نموده است: «...إن الله لم يترك شيئا من صنوف الأموال إلا وقد قسمه وأعطى كل ذي حق حقه الخاصة والعامة والفقراء والمساكين وكل صنف من صنوف الناس، فقال: لو عدل في الناس لاستغنوا، ثم قال: إن العدل أحلى من العسل ولا يعدل إلا من يحسن العدل» (كلینی: ۱، ۵۴۲) از بررسی معنای عدل در آیات و روایات می توان به این نتیجه رسید که مفهوم کلی عدالت در آیات و روایات همانند معنای لغوی و عرفی آن، یعنی برابری است (حسینی، ۱۳۹۰: ۴، ۱۳). ولی از آنجا که این واژه در موارد متفاوتی استعمال گردیده و متعلق برابری به لحاظ موارد استعمال و فضاهای کاربرد عدالت متفاوت است، در تفسیر دقیق برابری باید خصوصیت مورد لحاظ شود. در زمینه کاربرد عدالت در مورد اعمال و روابط انسانی اجمالا عدالت به معنای برابری و مطابقت عمل با حق و به طور اخص در زمینه روابط متقابل مردم با یکدیگر و با دولت، معنای «اعطاء کل ذي حق حقه» (برابری میزان اعطا با میزان استحقاق) قابل تایید است.

بنابراین عدالت در آموزه های اسلامی به معنای «اعطاء کل ذي حق حقه» است. تساوی، عدم تفاوت فاحش طبقاتی (توازن اجتماعی) و «اعتدال» از مصادیق اعطاء کل ذي حق حقه خواهد بود. (پیشین)

در نتیجه با توجه به تعریف عدالت در اقتصاد اسلامی، انواع استحقاق های موجود در بانکداری اسلامی در دو حیظه تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری اسلامی بر اساس تعالیم دینی به تفصیل بایستی روشن گردد. بر این اساس الگویی می تواند بیشتر به تحقق عدالت اقتصادی بیانجامد که زمینه های رعایت این حقوق در آن بیشتر موجود باشد.

معرفی اجمالی الگوی بانکداری تجاری و الگوی تفکیک

یکی از خصوصیات بانک های تجاری این است که اختصاص به حوزه خاصی نداشته و با همه بخش های اقتصادی همکاری می کنند. در حقیقت بانک های تجاری فعلی در ایران تمایل دارند که یک ساز و کار اجرایی را برای سه نوع فعالیت متفاوت مصرح در قانون در تمامی بخش های اقتصادی به کار گیرند. به همین خاطر تخصص نیروی انسانی این الگو، بانکداری عمومی است و تخصص لازم را برای نظارت و کنترل طرح های اقتصادی ندارند. این بانک ها به دلیل برخورداری از ویژگی خلق پول و ریسک ناشی از وام دهی تمام حساب های جاری، در معرض انتقادات دانشمندان پول و بانکداری قرار داشته است. در گذشته به خاطر همین ویژگی ها، ایده های مانند ایده ای بانکداری محدود مطرح گردید که به خاطر متضرر شدن بانک های تجاری اصلا اجرا پیدا نکرد. دانشمندان اقتصاد اسلامی با توجه به شناخت کامل نواقص و معایب الگوی تجاری، ایده ای تفکیک را پیشنهاد کردند.

الگوی تفکیک از سه قسمت تشکیل گردیده است:

بانک قرض الحسنه: دو سپرده جاری و پس انداز در این بانک سپرده گذاری می شود یعنی تجهیز این بانک با سپرده پذیری سپرده های جاری و پس انداز خواهد بود و تخصیص آن به شکل قرض الحسنه خواهد بود.

مؤسسات مالی: این مؤسسات تأمین کننده مالی خرد خواهند بود. تجهیز آن از طریق فروش اوراق و یا سپرده های خاص انجام می گیرد. تخصیص بر اساس عقود مبادله ای صورت می گیرد. به عبارتی پول مردم را پذیرفته و شرط می گردد که بر اساس عقود مبادله ای به کار انداخته و سود ثابت به دارندگان سپرده پرداخت کند.

بانک سرمایه گذرای (تأمین مالی کلان) تجهیز و تخصیص این بانک بر اساس عقود مشارکتی خواهد بود. سپرده های سرمایه گذاری حتما در پروژه های بزرگ به کار گرفته شود.

در الگوی «تفکیک» پیشنهاد شده است که بانک ها حق استفاده سود آور از مانده حساب های جاری را نداشته؛ این وجوه در میان افراد نیازمند جهت کارآفرینی و حمایت از اقشار کم درآمد به شکل قرض الحسنه تخصیص داده می شود.

محور دوم: تبیین اصول و شاخص عدالت اقتصادی در بانکداری اسلامی

گام دوم تبیین اصول و شاخص های عدالت اقتصادی در بانکداری اسلامی است. این اصول و شاخص ها عبارتند از:

اصل اول اصل برابری و معیار حق برخورداری برابر از تسهیلات و خدمات بانکی

شاخص انحراف از برابری سهام داران

$$\text{شاخص انحراف از برابری سهام داران} = \frac{N - N'}{N} \times 100 =$$

این شاخص بیان می دارد که آیا عدالت در مورد سهام داران رعایت گردیده است یا خیر؟ در صورت شرکت دادن تمامی سهام داران از حیث مشارکت، رأی، حضور در مجامع عمومی و آگاهی از فعالیت های بانکی این شاخص برابر با صفر خواهد بود و در صورت عدم شرکت هیچ یک از سهام داران برابر با یک خواهد بود. لذا هرچه این شاخص به سمت صفر میل کند بیشتر عدالت در مورد سهام داران رعایت گردیده است.

شاخص انحراف از تسهیلات برابر

$$\text{شاخص انحراف از تسهیلات برابر} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \left(\frac{y_i - y_i'}{y_i} \right)$$

در معادله فوق: y_i تسهیلات لازم برای تأمین مالی طرح های متقاضیان تسهیلات جهت سرمایه گذاری های ضرور. y'_i مبلغ تسهیلات دریافتی هر یک از نیازمندان. n تعداد کسانی که در جامعه نتوانسته اند به اندازه لازم از بانک تسهیلات بگیرد. فرض کند مثلاً ده میلیون افغانی برای تأمین مالی از قبیل ازدواج، مسکن، سرمایه گذاری های ضروری و خود اشتغالی لازم است. اما در یک جامعه نیازمندان به این مبلغ کمتر از آن را مثلاً چهار میلیون را دریافت کرده اند و n تعدادی از این نیازمندان است که کمتر از ده میلیون را دریافت کرده اند. این شاخص بین صفر و یک است. در صورت رعایت کامل حقوق نیازمندان مساوی صفر و در صورت عدم رعایت حقوق کامل نیازمندان مساوی یک خواهد شد.

اصل دوم اصل قوام اقتصادی اموال است و شاخص هایی که بیانگر عدالت اقتصادی با توجه به این اصل است:

$$\text{شاخص انحراف از قوام اقتصادی} = \frac{\text{کل مبلغ تخصیص داده شده به طرحهای که توجیه اقتصادی ندارند}}{\text{کل مبلغ سرمایه گذاری شده}}$$

این شاخص بین صفر و یک است در صورت تخصیص کامل منابع به طرح های غیر اقتصادی عدد یک و در صورت عدم تخصیص کامل منابع به طرح های غیر اقتصادی صفر خواهد بود. شاخص انحراف از سهم واقعی سپرده های سرمایه گذاری

$$\text{شاخص انحراف از سهم واقعی عوامل تولید (سرمایه)} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \left(\frac{p_i - p'_i}{p_i} \right)$$

در معادله فوق: p_i قیمت هر یک از عوامل تولید در بازار اسلامی، p'_i سود پرداختی به این سرمایه توسط بانک، n تعداد کل عوامل تولید، این شاخص بیانگر بی عدالتی اقتصادی در حیطه پرداخت سود به سپرده های سرمایه گذاری است که بین صفر و یک می باشد. در حالت عدالت کامل یعنی تطابق قیمت پرداختی به عوامل تولید و قیمت عوامل تولید در بازار اسلامی، این شاخص برابر صفر خواهد بود و در حالت بی عدالتی کامل، عدد یک خواهد شد. اصل سوم، اصل عدم تداول ثروت میان اغنیاء و شاخص های بیانگر عدالت اقتصادی با توجه به این اصل عبارت اند از:

تمرکز منابع بانکی در دست افراد خاص

برای نشان دادن و تمرکز آن در دست عده خاص از منحنی لورنر استفاده شده است. درصدهای جمعیت از فقیرترین به ثروتمندترین افراد روی محور افقی و درصدهای از تسهیلات بانکی روی محور

عمودی نشان داده می شود. بدیهی است که صفر درصد جمعیت، صفر درصد تسهیلات را دارد و صد درصد جمعیت، کل تسهیلات بانکی را دارا می باشد. اگر همه افراد تسهیلات یکسانی دریافت کرده باشند، منحنی لورنز بر قطر این مربع منطبق خواهد شد. در صورتی که برابری کامل وجود نداشته باشد، گروههای درآمدی پایین به طور نسبی از تسهیلات پایین تری برخوردار خواهند شد شاخص میزان تمرکز منابع بانکی در مناطق خاص:

$$\text{نسبت تسهیلات دریافتی یک ولایت} = \frac{\text{میزان تسهیلات در یک ولایت}}{\text{کل تسهیلات پرداخت شده}}$$

اصل چهارم، اصل ممنوعیت معاملات ربوی در بانکداری اسلامی است و شاخص هایی که بیانگر ربوی بودن معاملات بانکی است به قرار ذیل است:

$$\text{شاخص نسبت ارزش قرارداد های ربوی} \times \frac{\text{مجموع ارزش قراردادهای ربوی}}{\text{کل ارزش قراردادهای محاسبه شده}} = 100$$

این شاخص بیان می دارد که هر چه این نسبت بیشتر باشد ربا در بانکدار بیشتر خواهد بود. با توجه به آنچه بیان شد که ربا از نظر قرآن کریم یک نوع ظلم آشکار است و از طرفی ظلم یک مقوله تشکیکی و دارای مراتب است؛ می توان نتیجه گیری کرد که سود ربوی حاصل از قرارداد های بررسی شده به کل سود قرارداد ها می تواند شاخص مناسبی برای اندازه گیری میزان ظلم ناشی از اخذ ربا باشد.

$$\text{شاخص نسبت سود حاصل از ربا} \times \frac{\text{مجموع سود حاصل از ربا}}{\text{کل سود قراردادهای بررسی شده}} = 100$$

بنابراین میزان کمی محاسبه شده برای هر نسبت می تواند به عنوان شاخصی برای میزان ربوی بودن فعالیت های بانک های اسلامی تلقی شود. (محقق نیا، ۱۳۹۰: ۷۳)

اصل پنجم از اصول عدالت اقتصادی اصل همسویی با اهداف نظام اقتصادی اسلام است. شاخصی که بیانگر اصل همسویی باشد؛ شاخص رعایت حقوق نیازمندان تسهیلات است. در این جا تفاوت میان تسهیلات لازم برای تأمین مالی جهت ایجاد اشتغال و تسهیلاتی که بانک به این دسته از افراد پرداخت نموده است، بیانگر شاخص بی عدالتی خواهد بود.

$$\text{شاخص رعایت حقوق نیازمندان تسهیلات} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \left(\frac{y_i - y'_i}{y_i} \right)$$

این شاخص بین صفر و یک است. در صورت پرداخت کامل مبلغ لازم برای تأمین مالی نیازمندان تسهیلات، مساوی صفر و در صورت عدم پرداخت کامل مساوی یک خواهد شد. در مرحله سوم، جهت بررسی این اصول و شاخص ها در دو الگوی تجاری و تفکیک بایستی این

دو الگو معرفی کردند. از معرفی بانک های تجاری و محدود به نتایج ذیل می رسیم:

محور سوم: بررسی شاخص های عدالت اقتصادی در الگو بانکداری

در این مرحله با توجه به اصول و شاخص های عدالت اقتصادی و نیز شناخت از خصوصیات دو الگوی «تجاری» و الگوی «تفکیک» نوبت آن رسیده به ارزیابی این شاخص ها در این دو الگو پرداخته شود تا معلوم گردد که کدام یک از این دو الگو با شاخص های معرفی شده بیشتر همخوانی دارند؟

از بررسی اصل برابری و شاخص های آن به این نتیجه رسیدیم که برخورداری برابر جامعه از تسهیلات بانکی به جهت موانعی مانند اخذ وثیقه، ضامن و ... میسر نمی باشد. بانک های تجاری علاقه مند هستند به افرادی تسهیلات دهند که بتوانند وثایق و ضمانت نامه های لازم را تهیه و در اختیار بانک قرار دهند و بانک ها را از برگشت اصل و فرع آن مطمئن سازند، بنابراین افراد و گروه های که توان ارایه وثائق و ضمانت های معتبر دارند مقدم می شوند و گروه های درآمدی پایین به تدریج، از دسترسی به تسهیلات بانکی محروم می شوند.

با توجه به اصل قوام اقتصادی و احراز ارزش افزوده ی طرح ها به این نتیجه رسیدیم که الگوی تجاری به لحاظ عدم تخصص نیروی انسانی و ساختار بانک های تجاری توان نظارت بر پروژه ها را نداشته و در صورتی که از برگشت اصل و فرع تسهیلات مطمئن باشند تسهیلات اعطا می کنند. در الگوی تفکیک بنابر اصل تخصص گرایی و نظارت بر پروژه های و همچنین مشارکت واقعی بانک در فعالیت اقتصادی، طرح های اقتصاد حتما ارزیابی می گردد و با توجه به مسئولیتی که نسبت به سپرده گذاران خود دارند، تخصیص منابع به طرح های که ارزش افزوده آن احراز نگردد به حای اقل می رسد. یکی از شاخص ها در این زمینه شاخص انحراف از پرداخت سود واقعی به صاحبان این سپرده ها است. شواهد نشان می دهد که در طی این سی سال همیشه سود پرداخت شده از سوی بانک های تجاری به دلیل نرخ تورم بالا منفی بوده است.

از بررسی اصل همسوی با اهداف نظام اقتصادی اسلام و شاخص های آن به این نتیجه رسیدیم که الگوی بانکداری تجاری در طول این سه دهه با توجه به ظرفیت عظیمی که به عنوان قرض الحسنه از مردم دریافت نموده اند سهم اندکی از این سپرده ها را به عنوان قرض الحسنه به نیازمندان تخصیص داده است. در حالی که الگوی تفکیک یکی از اضلاع سه گانه این مدل را بانک های قرض الحسنه تشکیل می دهد و تمام مانده حساب های جاری را به قرض الحسنه تخصیص می دهد و موجب می شود که مناطق محروم و کم درآمد نیز بتوانند از تسهیلات بانکی برخوردار شوند. بنابراین الگوی تفکیک بیشتر از همسو با اهداف نظام اقتصادی اسلام خواهد بود.

نتیجه

از بررسی اصل عدم تداول و شاخص «میزان تمرکز منابع بانکی در افراد خاص» به این نتیجه رسیدیم که در بانک های تجاری اشخاص و گروه هایی که توان ارائه وثایق و ضمانت های معتبر را دارند مقدم شده و باعث تمرکز منابع در دست عده ای خاص می گردد. و همچنین شاخص «میزان تمرکز منابع بانکی در مناطق خاص» نشانی دهد که بانک های تجاری به دلیل انگیزه سود طلبی حتی منابع قرض الحسنه را در جهت کسب سود به کار برده و نتیجه آن محروم شدن مناطق محروم است و نیز شاخص «میزان تمرکز منابع بانکی در بخش های اقتصادی خاص» نشان می دهد که عمده تسهیلات پرداختی بانک های تجاری به بخش صنعت تزریق شده است و علاقه مند به سرمایه گذاری در بخش کشاورزی نیستند.

بررسی اصل ممنوعیت ربا در الگوی تجاری و تفکیک نشان می دهد که زمینه های غیر واقعی شدن معاملات و ربوی شدن آنها در الگوی تجاری بیشتر است. طبق شواهد تسهیلاتی که از طریق عقود مشارکتی اعطا می شود فقط شکل صوری دارد و شاخص «نسبت مشارکت صوری به کل معاملات» بالا است.. در حالی که در الگوی تفکیک با نظارت بر فعالیت ها مشارکت تا حد زیادی حالت واقعی دارد. در معاملات بانک قرض الحسنه، هیچ زمینه ای برای صوری بودن و غیر واقعی شدن آن وجود ندارد. در مؤسسات مالی نیز که خود کالاها و نه مبلغ آن ها مبادله می شود، زمینه ای برای صوری شدن معاملات وجود ندارد. بنابراین نتیجه نهایی این است عدالت اقتصادی در الگوی تفکیک نسبت به الگوی بانکداری تجاری بیشتر محقق می گردد.

۱. محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، بی تا، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱
۲. فراهیدی، خلیل، کتاب العین، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، بیروت، مؤسسه دارالهجره، نوبت دوم، ۱۴۰۹ق، ج ۲،
۳. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸،
۴. راغب اصفهانی، همان: ص ۵۳۸ و مصطفوی، همان: ج ۷،
۵. محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱،
۶. محمودی، نهج السعاده، ۱۳۸۷: ج ۵،
۷. سید رضا حسینی، اقتصاد اسلامی، زمستان - ۱۳۹۰ شماره ۴.
۸. محمد جواد محقق نیا، «درآمدی بر تدوین شاخص ربا در بانکداری اسلامی» معرفت اقتصادی، سال
۹. دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۰،